

# ژورنال

شماره ۸۹۷

۲۶ نوامبر ۲۰۲۴ - ۶ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

## در این شماره ژورنال:

سانسور رژیم اسلامی، هنرمندان و انقلاب زن، زندگی، آزادی

### میلا رسایی منش

همبستگی بین‌المللی با مبارزات کارگران در ایران

### دو سؤال از شهلا دانشفر

جمهوری اسلامی، حکومت کودک آزار

### نسان نودینیان

رژیم اسلامی و بازداشت کودکان و نوجوانان

### سهیلا دالوند

**سانسور رژیم اسلامی، هنرمندان و**

**انقلاب زن، زندگی، آزادی**

**میلا رسایی منش**

سانسور در جمهوری اسلامی ایران به عنوان ابزاری کلیدی برای سرکوب صدای مخالفان و محدود کردن آزادی بیان به کار گرفته می‌شود. این سیاست به ویژه در حوزه‌های فرهنگی و هنری، به شدت اعمال می‌شود. هنرمندان و سینماگران، به دلیل قدرت تأثیرگذاری‌شان بر جامعه، یکی از اهداف مهم این سیستم هستند. سانسور در چنین رژیمی نه تنها مانع بیان آزاد اندیشه‌ها می‌شود، بلکه به منزله تلاشی برای کنترل روایت‌های اجتماعی و تثبیت ایدئولوژی حکومتی است. سخنان احمد بهرامی،

کارگردان فیلم "شهر خاموش"، که اخیراً در جشن حافظ، جایزه خود، "نشان عباس کیارستمی" را به بازیگران زن ممنوع‌الفعالیت تقدیم کرد، نمونه‌ای از این سانسور و همچنین تقابل با آن است. این حرکت مثبت بهرامی در تقابل با سرکوب رژیم در رسانه‌های حکومتی منعکس نشد.

جنبش زن، زندگی، آزادی که از پاییز ۱۴۰۱ آغاز شد، تحولی بزرگ در رویکرد جامعه ایران به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد کرد. این جنبش که ابتدا با محوریت حقوق زنان و آزادی‌های فردی شکل گرفت، هنرمندان را به‌عنوان صداهای مهم اعتراضات، تحت تأثیر قرار داد. بسیاری از هنرمندان، چه داخل و چه خارج از ایران، با اعلام همبستگی با این انقلاب، به مبارزه با سرکوب و محدودیت‌ها

پرداختند. بازیگرانی چون ترانه علیدوستی، هنگامه قاضیانی و دیگر چهره‌های هنری که به دلیل حمایت از این جنبش ممنوع‌الفعالیت شدند، نمونه‌ای از این تأثیرات هستند. انقلاب زن، زندگی، آزادی به هنرمندان جسارت بیشتری بخشیده تا علیه سانسور و اختناق اعتراض کنند و از هنر خود به‌عنوان ابزاری برای مقاومت استفاده کنند.

یکی از بارزترین نموده‌های این اعتراضات، حجاب‌برداری هنرمندان زن بوده است. حجاب، به‌عنوان نمادی از سیاست‌های تحمیلی جمهوری اسلامی، به محوری‌ترین موضوع مقاومت در میان زنان تبدیل شده است. بازیگران و هنرمندان زن با برداشتن حجاب یا به نمایش گذاشتن تصاویری بدون پوشش اجباری، به طور مستقیم به چالش با

قوانین حکومت پرداخته‌اند. این اقدام، نه فقط شکلی از نافرمانی مدنی، بلکه بیانگر مخالفت هنرمندان با کنترل سیستماتیک بدن و هویت زنان توسط حکومت است.

در مجموع، سانسور در جمهوری اسلامی ایران ابزاری برای تثبیت ایدئولوژی حاکم و خفه کردن صدای مخالفان است. اما انقلاب زن، زندگی، آزادی به هنرمندان و مردم این جرئت را داده که با این سازوکار مقابله کرده و با تلاش برای آزادی عملاً سانسور را به درجه زیادی بی‌اثر کنند.

# همبستگی بین‌المللی با مبارزات کارگران در ایران

دو سؤال از شهلا دانشفر

**سوسن صابری:** اخیراً استفان سیچووسکی، دبیرکل شورای اتحادیه‌های کارگری ونکوور و حومه در کانادا نامه سرگشاده‌ای خطاب به سران جمهوری اسلامی منتشر کرده است. لطفاً در مورد محتوای این نامه برای خوانندگان ژورنال توضیح بدهید

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردید استفان سیچووسکی دبیرکل شورای اتحادیه‌های کارگری ونکوور و حومه در کانادا با ۶۰ هزار عضو، در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و مشخصاً چهار کارگر زندانی که در وضعیت اضطراری قرار دارند، نامه‌ای سرگشاده با عنوان

”به سرکوب پایان دهید“ خطاب به پزشک‌یان و مقامات جمهوری اسلامی نوشته است. او با استناد به نامه‌ای که ”کمپین برای آزادی کارگران زندانی“ برای این اتحادیه و دیگر اتحادیه‌های کارگری نوشته است، نسبت به تشدید سرکوبگری‌های حکومت اظهار نگرانی کرده و اشاره مشخص به وضعیت اضطراری کارگران بازنشسته زندانی چون نسرین جوادی، اسماعیل گرامی، ناهید خداجو و نیز رضا اقدسی فعال کارگری که مشکل ناشنوایی دارد و همین‌طور خطر اعدام عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی آبان ۹۸ است.

او می‌نویسد: ”VDLC همراه با کارگران و مردم ایران بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی این فعالان کارگری و لغو حکم اعدام عباس دریس

تأکید دارد. این اتحادیه خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی و پایان دادن به سرکوب‌ها و اعدام‌های رژیم اسلامی در ایران است. حق تجمع، تشکل و اعتراض از حقوق اساسی کارگران و مردم در سراسر جهان است. رژیم اسلامی باید از نهادی مانند سازمان بین‌المللی کار به دلیل جنایات مستمرش علیه کارگران و مردم ایران اخراج شود.

**سوسن صابری:** در سال‌های گذشته ما شاهد صدور بیانیه‌های زیادی از طرف اتحادیه‌های کارگری در سطح جهان در حمایت از اعتراضات و خواسته‌های کارگران در ایران بوده‌ایم. به نظر شما تا به حال این نوع حمایت‌ها و ابراز همبستگی



بین‌المللی چه تأثیری در مبارزات کارگران ایران داشته و یا می‌تواند داشته باشد؟

**شهلا دانش‌فر:** مبارزه طبقاتی یک امر همه‌جانبه است و یک عرصه مهم پیشروی آن جلب حمایت و همبستگی جهانی کارگری است. کارگر نمی‌تواند فقط در کارخانه با سرمایه‌دار طرف شود. بلکه باید در کارخانه، در خیابان و در سطح بین‌المللی بجنگد. از همین رو باید تلاش کند صدای اعتراضش را به گوش کل جامعه و افکار عمومی جهان برساند تا با جلب همبستگی گسترده در سطح داخلی و بین‌المللی با قدرت بیشتری مبارزاتش را جلو ببرد. به‌ویژه در برابر جمهوری اسلامی که با سرکوبگری‌هایش می‌کوشد اعتراضات کارگران و کل جامعه را عقب بزند،

جلب همبستگی‌های جهانی و به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی مهم و کلیدی است. تأثیر حمایت‌های بین‌المللی از مبارزات کارگران و مردم ایران فشار مستقیمی بر روی حکومت است و بازتاب آن را در واکنش‌های حکومتیان شاهد بوده‌ایم.

انقلاب زن زندگی آزادی نقش مهمی در جلب توجه جهانیان به مبارزات مردم ایران داشت. امروز جمهوری اسلامی بیش از هر وقت در انزوا قرار دارد و زمینه جلب حمایت‌های جهانی فراهم‌تر است. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" سال‌هاست که در این راستا و برای جلب همبستگی اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انسان‌دوست در سطح جهان فعالیت می‌کند و می‌کوشد که

صدای اعتراضات کارگران، معلمان و کل جامعه باشد. یک شکل عملی این همبستگی‌ها حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و قراردادن جمهوری اسلامی زیر فشار جهانی برای توقف بساط سرکوب و اعدام در ایران است. همچنین بایکوت جهانی جمهوری اسلامی به‌خاطر تمام جنایاتش یک تأکید مهم ما است و این اقدامی در جهت سرنگونی این رژیم است. و اخراج آن از سازمان جهانی کار یک کارزار مهم ماست. نامه حمایتی استفان سیچوسکی پاسخی به این کارزار است. خوشبختانه تا کنون شمار دیگری از اتحادیه‌های کارگری ما را همراهی کرده‌اند.

# جمهوری اسلامی، حکومت کودک آزار

## نسان نودینیان

ایلنا در گفت‌وگو با پژوهشگر حقوق کودک نوشته: "بیشترین کودک آزاری در خانواده در سنین ۳ تا ۷ سال صورت می‌گیرد. مناطق محروم و حاشیه‌نشین در صدر آمار کودک آزاری قرار دارند." همچنین به قانون "معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند" اشاره شده است.

پژوهشگر بجای اشاره به ستم‌های ساختاری کودک آزار از قبیل جشن تکلیف دختران در سن ۸ سالگی، جداسازی جنسیتی و پوشاندن جسم و موی کودک دختر در مدارس و اماکن عمومی،

وجود چند میلیون کودک کار و خیابان که به شیوه‌های مختلف استثمار می‌شوند، دختران و پسران کم‌سن و سال دست‌فروش و گل‌فروش که از کودکی با طعم تلخ تحقیر روبرو می‌شوند، قانون شنیع اسلامی کودک‌همسری، استفاده از کودکان در میدان‌های جنگ ایران و عراق که تأثیرات روحی مخربی در چند نسل از کودکان بجای گذاشته و از میان ده‌ها اقدام لازم و فوری برای رهایی کودک از دست این اختاپوس سیستماتیک کودک‌آزار، به کمک‌های مالی به خانواده‌های فقیر اشاره می‌کند.

باید گفت در یک کلام جمهوری اسلامی با ده‌ها مورد ستم قانونی و ساختاری که به مهم‌ترین آنها اشاره شد، از بنیان ضد کودک و کودک‌آزار است.

به این قوانین ضد کودک باید قانون ضدانسانی اسلامی "معافیت پدر از قصاص در قتل فرزند" را اضافه کرد. معافیت پدر از مجازات قتل فرزند، در نظام تبه‌کار و ضد کودک جمهوری اسلامی مبتنی است بر حق ولایت و مالکیت نسبی شرعی پدر بر فرزند.

ممنوعیت فعالیت نهادهای مردمی دفاع از حقوق کودک را باید به لیست سرکوبگری رژیم اضافه کرد. یکی از راه‌های مقابله با کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان در خانواده و جامعه دفاع و حمایت از این نهادهاست. حمایت و تقویت آنها توسط کارگران، معلمان و دانشجویان در جهت کاهش آمار کودک‌آزاری مؤثر و کارساز است.

# رژیم اسلامی و بازداشت کودکان و نوجوانان

## سهیلا دالوند

نگار دباغی، نوجوان ۱۷ ساله اهل تبریز، از ۲۳ آبان ۲۰۲۴، از سوی شعبه ۱۰ دادرسی دادسرای عمومی و انقلاب تبریز به اتهام "ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی، اهانت به اسلام، تبلیغ علیه حکومت و توهین به خامنه‌ای و خمینی" بازداشت و به زندان منتقل شده است. بر اساس گزارشات، این اتهامات بر مبنای اعترافات اجباری اخذ شده توسط نیروهای اطلاعاتی و همچنین محتوای تلفن همراه وی مطرح شده است.

جمهوری اسلامی برخلاف کنوانسیون حقوق کودک،

کودکان را تحت بازداشت، بازجویی و پیگرد قرار می‌دهد. در انقلاب مه‌سا ۷۰ کودک و نوجوان را با گلوله جنگی عامدانه به قتل رسیدند. ده‌ها کودک و نوجوان بازداشت و به طرز وحشیانه‌ای مورد شکنجه و تجاوز جنسی قرار گرفتند؛ شکنجه، آزار جنسی و قتل نیکا شاکرمی نوجوان معترض توسط مأموران سپاه پاسداران، قتل سارینا اسماعیل‌زاده، آرمیتا گراوند، اعدام حمیدرضا آذری که فقط ۱۷ سال داشت و ... سرکوب و هجوم نیروهای امنیتی به مدارس دخترانه و بازداشت، زندان، ضرب‌وجرح و قتل کودکان اوج توحش و قساوت رژیم کودک‌کش اسلامی را به نمایش گذاشته است.

این جنایات علیه کودکان و نوجوانان تنها گوشه



بسیار کوچکی است از توحش رژیم‌ی که قوانینش به شدت علیه کودکان است. با وجود اینکه جمهوری اسلامی در ظاهر کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته، اما به طور مکرر با استفاده از فشارهای شدید جسمی و روانی و بازداشت و گرفتن اعترافات اجباری این واقعیت را نشان می‌دهد که استمرار این سیاست تعرض و زیر پا گذاشتن تمام قوانین جهان‌شمول مربوط به کودکان، جهت سرکوب کل جامعه و نجات لاشه متعفن خود می‌باشد.

سرکوب اعتراضات از طریق بازداشت کودکان و نوجوانان و استفاده از اعترافات تحت فشار برای پرونده‌سازی، نقض صریح حقوق انسان و حقوق کودکان است. امروز می‌بینیم چگونه نگار دباغی

این نوجوان معترض را که خواستار یک دنیای شاد،  
آزاد و رها از تمام قوانین مذهبی و خالقان آن است،  
در زندان‌های رژیم گندیده و فاسد، با شکنجه و  
اذیت و آزار مجبور به اعترافات اجباری می‌کنند.  
جان نگار دباغی با توجه به اتهامات واهی در معرض  
خطر است. با اتحاد و همبستگی خواستار آزادی  
وی باشیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: [journalfarsi@gmail.com](mailto:journalfarsi@gmail.com)

اینستاگرام:

[www.instagram.com](http://www.instagram.com)

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

[https://twitter.com/Journal\\_Farsi](https://twitter.com/Journal_Farsi)

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال